

تورم چگونه ساختار تولید را به نفع بنگاه‌های ناکارآمد برهم‌می‌زند؟

به گزارش صدای تجارت از دنیای اقتصاد، با وجودی که میدانند ما دهه‌هاست که این راه بدون ثمر را رفته‌ایم و چیزی جز تورم‌های افسارگسیخته عایدمان نشده و به کشوری با مداوم‌ترین تورم دورقمی تاریخ بدل شده‌ایم.

در مقام پاسخ به تورم‌گرایان باید گفت سیاست‌های انقباضی نه تنها می‌تواند یکی از مشکلات عمده اقتصاد ایران یعنی تورم را حل کند، بلکه بر عکس آنچه همگان می‌انگارند، اثری مثبت بر تولید ملی خواهد داشت. یکی از جنبه‌های کاهش تورم از سطوح فعلی بر رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری پیش از این بارها مورد اشاره قرار گرفته و آن، کاهش سطح ریسک و پیش‌بینی‌پذیری بیشتر اقتصاد است که می‌تواند بر تصمیم‌های سرمایه‌گذاری و در نتیجه رشد اقتصادی موثر باشد؛ اما جنبه دیگری از آن کمتر مورد توجه بوده است.

تورم مزمن دورقمی در بلندمدت باعث شده است تا منابع از بنگاه‌های کارآمد به سمت بنگاه‌های ناکارآ و دارای قدرت چانه‌زنی بالا برای جذب منابع حرکت کند. از این رو، تورم مزمن موجب افت بهره‌وری در اقتصاد ایران شده است. اما تورم چگونه ساختار تولید را به نفع بنگاه‌های ناکارآمد برهم‌می‌زند؟

فرض کنید دو گروه از تولیدکنندگان الف و ب را داریم. گروه الف، گروهی هستند که به دلیل ناکارآمدی همواره نیاز به اعتبار دارند؛ اما در عین حال قدرت چانه‌زنی و لابی بسیار بالایی برای کسب اعتبار از سیستم دارند. گروه ب، شامل بنگاه‌هایی می‌شود که به دلیل کارآمدی تقاضای کمتری برای اعتبار دارند و در عین حال به دلیل آنکه قدرت لابی گروه الف را ندارند، به‌طور متوسط کمتر از گروه نخست می‌تواند اعتبار کسب کند. با وام‌دهی به گروه الف برای سرمایه در گردش، عرضه پول افزایش می‌یابد. وقتی آنان، این اعتبار را دریافت و شروع به خرج می‌کنند، هزینه پرداختی بر مبنای قیمت‌های گذشته است. اما با ورود این پول در جامعه، قیمت‌ها شروع به افزایش می‌کند، فرض کنید پس از ۶ ماه اثر این پول جدید روی قیمت‌ها به‌طور کامل تخلیه شود.

اگر گروه ب، در ماه سوم با اعتبار تزریق شده در اقتصاد اقدام به خرید کند، ۵۰ درصد افزایش قیمت بروز یافته است و در نتیجه قدرت این گروه به این میزان نسبت به گروه الف کاهش می‌یابد. هرچند بعد از ۶ ماه هر دو گروه با افزایش کامل قیمت‌ها به واسطه اعتبار تازه، مواجه هستند؛ اما در طول پروسه، بنگاه‌های گروه الف که دروازه ورود اعتبار خلق شده بودند، منابع بیشتری از گروه ب جذب می‌کنند. به عبارت دیگر تورم، ساختار تولید را به نفع گروه الف یعنی گروه ناکارآمد تغییر می‌دهد. هرچند ممکن است گفته شود که وقتی گروه ب، وامی دریافت می‌کند این پروسه معکوس می‌شود؛ اما ما می‌دانیم که به‌طور خالص گروه الف، بیش از گروه ب اعتبار دریافت می‌کند و این مساله، تحلیل ارائه شده را به چالش نمی‌کشد.

از این روست که اعتبارات خلق شده موثر بر تورم به‌طور مداوم در حال بازتوزیع منابع از سمت بنگاه‌های بهره‌ور به سوی بنگاه‌های ناکارآمد است؛ به‌ویژه وقتی تورم مزمن و همیشگی شود.

سیاست انقباضی ضد تورمی، جلوی تداوم این تغییر ساختار تولید را می‌گیرد و باعث می‌شود صنایع به شکل کارآمدتری تولید کنند و بهره‌وری بالا رود. افزایش بهره‌وری یعنی از منابع یکسان، تولید بیشتری حاصل می‌شود و این موجب رشد و رفاه بیشتر می‌شود.

هرچند اکثراً فکر می‌کنند با وام‌دهی، خلق اعتبار و هدایت نقدینگی می‌توان به تولید کمک کرد. اگر دید کلانی به پدیده رشد داشته باشیم، درمی‌یابیم سیاست انقباضی که کنترل تورم را در اولویت قرار دهد، می‌تواند مفیدتر باشد؛ هرچند به دهان گروه‌های ذی‌نفع شیرین نیاید.

*پویا جبل‌عاملی